



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۱۱



محمد هدایت

حقوق بشر؛ بزرگ ترین قربانی منازعه افغانستان

دیروز روز جهانی حقوق بشر بود. به همین مناسبت طی روزهای گذشته پروگرام های مختلف و مثل همیشه سخنان گوناگون و جذاب زیاد گفته شد. شاید از نخستین روزهای سقوط طالبان و برآمدن نظام جدید در باره هیچ یک از ارزش های جدید به اندازه حقوق بشر سخن گفته نشده باشد و در باره هیچ یک به اندازه این موضوع شعار داده نشده باشد.

از نخستین روزهای پس از طالبان کمیسیون مستقلی برای تامین حقوق بشر تاسیس شد و این کمیسیون تا کنون نیز فعال است و بخشی از ساز و کارهای حکومت و شرکای بین المللی آن در این راستا فعال بوده است و تقریباً می توان ادعا کرد که بخش بزرگی از کمک های جهانی در این راستا مصرف شده است. اما اینک پس از دو دهه شعار حقوق بشر و کار در سایه ارزش های حقوق بشری، باید اذعان داشت که بزرگ ترین قربانی در طی سال های گذشته حقوق بشر بوده است. زیرا در طی سال های گذشته صدها جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی صورت گرفته است و هر روزه حقوق بشر زیر پا شده است ولی تا کنون هیچ جنایت کاری به دلیل نقض حقوق بشر محاکمه نشده و به هیچ یک از جنایات های حقوق بشری رسیدگی نشده است. دولت افغانستان و همکاران بین المللی آن و ده ها سازمان بین المللی و ملی فعال حقوق بشر به شمول کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تنها نظاره گر نقض حقوق بشر بوده اند.

طی یک دهه جنگ داخلی ده ها تنظیم و صدها زورمند و قومندان جهادی مرتکب جنایات ضد بشری شدند و پیش از طالبان آنها از بزرگ ترین متهمان جنایت علیه بشریت بودند و برای آن ها دوسیه های قطوری نیز تشکیل شد. حتی جنایات صورت گرفته توسط رهبران جهادی مستند سازی شد و اسناد و شواهد قطعی مبنی بر جنایات ها جمع آوری گردید. اما این همه جنایت در یک تفاهم نانوشته میان حکومت آقای کرزی که اکثریت متهمان در زمره شرکای قدرت آن قرار داشتند و نهادهای حقوق بشری، هم چنان مسکوت ماندند و هنوز در لابلای هزاران صفحه کاغذ خاک می خورند.

علاوه بر رهبران جهادی متهم به نقض حقوق بشر، رهبران و فرماندهان طالبان که از بزرگ ترین ناقضان حقوق بشر طی سه دهه اخیر بوده اند، نه تنها محاکمه نشده اند بلکه طی سال های گذشته هزاران تن از آنان مورد عفو نیز قرار گرفته اند و از زندان ها رها شده اند.

عدالت انتقالی پس از فروکش کردن هر منازعه ای از بزرگ ترین پروسه های کاری هر حکومت میراث دار منازعات مسلحانه در سطح جهان بوده است. در واقع موفقیت همه حکومت های پسامنازعه با معیار برخورد آن ها با عدالت انتقالی و رسیدگی با ناقضان حقوق بشری سنجش شده است. از این منظر باید اذعان کنیم که نظام

سیاسی افغانستان به راستی که موفقیتی نداشته است. زیرا هنوز گروه های مسلح تروریستی مثل طالبان به صورت لحظه ای مرتکب جنایت های ضد حقوق بشری می شوند و همزمان با این جنایات، فرس های قرمز بیشتری زیر پای نمایندگان آن ها در کشورهای مختلف پهن می شود و به بهانه پروسه صلح به طور آشکار حقوق بشر و عدالت به فراموشی سپرده می شوند.

محذوریت های دولت افغانستان امروزه بیش از هر زمان دیگر قابل لمس است و به اولویت های آن از جمله پروسه صلح باید احترام قایل شد. اما از این اصل کلی نباید غفلت ورزید که عدالت و حقوق بشر به هیچ بهانه ای نباید زیر پا شود. در عین حال هیچ کس نمی تواند از این واقعیت فرار کند که بزرگ ترین قربانی در طول سال های گذشته حقوق بشر بوده است. زیرا ناقضان حقوق بشر امروزه بیش از کس دیگر طلبکارند و چه بسا که مثل گروه طالبان هنوز در سایه نقض حقوق بشر مطالبه شراکت در قدرت را دارند.

از این رو هم دولت افغانستان و هم شرکای بین المللی آن و هم نهادهای حقوق بشری به شمول کمیسیون مستقل حقوق بشر در تامین حقوق بشر و عدالت ناکام بوده اند. علی رغم درک همه محذوریت ها و تنگناهای موجود باید همگان بپذیریم که ناکامی ما در تامین حقوق بشر و اجرای ارزش های حقوق بشری آشکار است و بزرگ ترین قربانی در طول سال های گذشته حقوق بشر بوده است.

پایان

